

چگونه مطبوعات اجرای عدالت را سد میکنند

اخیراً معاکماتی درداد گاههای عمومی آمریکا جریان یافته که بواسطه اهمیت موضوع مورد توجه و علاقه مردم بوده و روزنامه های محلی در این مسائل مقالات مفصل و مکرری منتشر کرده و جریان هر واقعه را از زمان نشر خبر آنها متا پایان دادرسی و صدور آراء نهائی ذکر و مورد بحث قرار دادند .

مداخله مطبوعات در امور قضائی توجه و انتقاد محافل علمی و ادبی آمریکا را بغود جلب کرده و در این موضوع که به دادرسی بوسیله مطبوعات معروف شده است اظهار نظر نموده اند .

اینجانب بواسطه اهمیت موضوع و شباهتی که مطلب مزبور بامسائل جاری مطبوعاتی و قضائی کشور خودمان دارد ضمن استفاده و اقتباس از مقاله که یکی از قضاة عالی مقام نیویورک بنام « سیمون زیفکیند » نوشته موضوع را بطور خلاصه بنظر خوانندگان میرسانم .

مداخله در مسائل قضائی و انتقاد از دادرسی بوسیله مطبوعات با آنکه اخیراً زیاد شایع و معمول گردیده اصولاً عمل تازه نیست و میتوان گفت که از ایام قدیم ستیزه و جدال لفظی در همه جا بین این دو گروه وجود داشته و هر موقع که مطلب قابل توجهی در دادگاههای عمومی مطرح شده است روزنامه ها بسلطه و عقیده خود و طبق اطلاعات و اخبار خصوصی که بدست آورده اند در اطراف آن قلمفرسایی و اظهار نظر نموده و در اغلب موارد به تصمیمات دادگاهها نیز اعتراض کرده اند نسبت باین مداخلات و تأثیری که انتشار آنها در عمل قضاوت و اجرای عدالت دارد نظریات مختلفی در آمریکا ابراز شده و نوشتجات مفصلی موجود است منتهی همانطور که نویسنده

امریکائی در مقاله خود متذکر شده است اینمطلب مانند بسیاری از مطالب دیگر اجتماعی سالها در امریکا مورد انتقاد و بحث قرار گرفته و هرگز از مرحله سخن تجاوز نکرده و تصمیمی برای حل آن اتخاذ نشده است نویسنده مذکور میگوید که مسئله جدال بین مطبوعات و دادگاهها مانند چگونگی وضعیت هوا سالها وسیلهٔ مناظره و مباحثه قلمی شده و نتیجه آن تنها ایجاد يك سلسله مقالات ادبی بوده است و حال آنکه همه کس به سوء تأثیر مداخله مطبوعات در اجرای عدالت واقف بوده و معتقدند که این رویه در امور دادرسی و قضائی حتماً بضرر یکی از طرفین دعوی خواهد بود . نویسنده نامبرده میگوید هر گاه فرض شود که در هر مجازله احتمالاً يك حکایت قابل نمایش و یا درامی وجود داشته باشد متأسفانه ثابت شده است که در جدال بین مطبوعات و دادگاهها همیشه این نمایش و درام از نوع تراژدی است و چون نتیجه و انتهای درامهای تراژدی غم انگیز و ملالت آور است طبیعتاً جدال مطبوعات و دادگاهها نیز با نتایج تآثر آوری اغلب بضرر عدالت خاتمه مییابد .

موضوع مشاجره و مجادله مطبوعات با قضات از مسائل بسیار دقیق اجتماعی است که برای اظهار هر گونه نظری نسبت به آن بررسی کامل لازم است زیرا اینگونه اختلافات اصولاً يك نوع مبارزه و مقاومت بین حق و ناحق نیست و این هر دو دسته یکی مطبوعات و دیگری دستگاه قضائی در کشور های دموکراسی جهان هر يك خود نمونه و مظهر حق و آزادی هستند که هدف آنها هر دو تعمیم آزادی فردی و بسط و تأمین عدالت اجتماعی است . آزادی مطبوعات و استقلال دادگستری دور کن مهم از ارکان دموکراسی بشمار میروند که معنأ وجود آنها ملازم با یکدیگر بوده و نقصان هر يك موجب ترلزل اساس و پایه دموکراسی خواهد بود اصطکاکیکه گاهگاه بین آنها ایجاد میشود بعقیده دسته از دانشمندان در اثر نقص قوانین و بعقیده عده دیگر از مسائل غیر قابل اجتناب جامعه است .

اکنون دو نمونه از این رویه را که یکی در انگلستان و دیگری در آمریکا واقع شده و تفاوت عمل آن دو کشور را بطور روشن نشان میدهد برای خوانندگان نقل مینمایم

در سال ۱۹۴۹ میلادی شخصی بنام هیک که اورا (بلویرد) یاریش کیبود نامیدند باتهام ارتکاب قتل در انگلستان دستگیر شد و موقعیکه نامبرده در زندان موت بازداشت بود یکی از مجلات معروف انگلستان بنام دیلی میروار (آئینه یومیسه) بشیوه ایکه مخصوص این مجلات است خیر دستگیری اورا انتشار داد و هیک را بنام (وام پیر) حیوان خونخوار لقب داد مجله مزبور اظهار اطلاع کرده بود که هیک قتل‌های متعددی مرتکب شده و ضمن انتشار عکس یکی از مقتولین که گفته میشد بدست هیک کشته شده نوع جنایت و نحوه انجام آنرا نیز حکایت کرده - هیک پس از اطلاع از موضوع بر علیه مجله مزبور دادخواهی نمود و تعقیب سردبیر و ناشر مجله را تقاضا کرد .

دادگاه در رسیدگی خود باین معنی که آیا مطالب انتشار یافته در مجله صحیح بوده است یا خیر توجیهی ننمود و در نظریه خود تصریح کرد که صدق و یا کذب مطلب نوشته شده در مجله شایان اهمیت نیست و تأثیری در این رسیدگی ندارد و بمقیده دادگاه صرف انتشاران حکایت بهر تقدیر شخص هیک را در تحصیل قضاوت عادلانه از دادگاه جنائی دچار اشکال کرده بود و دادگاه در نتیجه رسیدگی سردبیر مجله دیلی میروار را بکبفر حبس و پرداخت ده هزار پوند (معادل ۱۳۰۰۰۰۰ ریال) جریمه نقدی محکوم ساخت .

دادگاه مزبور اخطاری نیز بهیئت مدیره شرکت مجله ارسال و تذکر داد که شمشیر و اسلحه قانونی دادگاه بقدری رسا و برنده است که باآسانی میتواند ایشانرا نیز مجازات کند .

نویسنده آمریکائی میگوید این بود رویه دادگاه انگلستان همان کشوریکه بمقیده مردم جهانی دارای بلند ترین پایه قضائی و محکمترین اساس عدالت و آزادی است و کشوریکه آزادی کامل نطق و قلم در سرلوحه اصول د و کراسی آن قرار گرفته و وجود دارد .

حادثه دیگری نظیر جریان بالا در سال میلادی ۱۹۵۰ در آمریکا اتفاق افتاد که خلاصه آن از گزارش بیبوست به رای دیوانعالی کشور آمریکا در مقاله آقای سیمون ریفکینند نقل شده شده است .

طفلی در شهر واشنگتن بطرز وحشیانه‌ای بقتل رسید و متعاقب این حادثه بفاصله مدت کمی طفل دیگری در نزدیکی این شهر در بالتیمور بطرز فجیعی کشته شد و در نتیجه این دو جنایت هیجان عظیمی که آمیخته باوحشت و اضطراب بود در اهالی بالتیمور پیدا شد - در آن ایام روزی سخنگوی اخبار رادیو در شروع برنامه خود انتشار خیر هیجان آوری را اعلام نمود و سپس اظهار داشت که شخصی بنام جمس به سیله شهر بانی دستگیر شده که به ارتکاب قتل طفل مقتول در بالتیمور اعتراف کرده است گوینده مزبور اضافه کرد که جمس نامبرده سابقه محکومیت جنائی داشته و بنا بتقاضای مامور شهر بانی آلت قتاله را نیز تسلیم نموده است .

دادگاه بالتیمور در رسیدگی به شکایتی که از طرف جمس بر علیه سخنگوی رادیو طرح شد اظهار نظر کرد که خیر انتشار یافته در رادیو با اجرای عدالت زبان آور بوده و موجب اخلال و اشکال در دادرسی جنائی مربوطه تشخیص میشود و علیهذا سخنگوی رادیو را گناهکار شناخت ولی دادگاه عالیتری در رسیدگی بعدی این نظر را بنا به رأی دیوان عالی کشور آمریکا شکسته و اظهار عقیده کرد که بز هکار شناختن سخنگوی رادیو در این مورد بهر تقدیر بمنزله تخلف و انحراف از اصل آزادی نطق و مطبوعات است تفاوت و اختلاف رویه قضائی دو کشور انگلستان و آمریکا در دادرسی فوکس شیمی دان معروف که به بزه تسلیم اسرار نیروی اتم تعقیب و محاکمه شد نیز بخوبی معلوم میشود قبل از تاریخی که کیفر خواست بر علیه فوکس صادر شود مجله هرالد تربیون چاپ نیویورک در یکی از شماره های خود متذکر شد که مطبوعات انگلستان اجازه ندارند در موضوع اتهام فوکس انتقادی نمایند زیرا قوانین انگلستان بحث در اتهامات را قبل از انجام محاکمه ممنوع نموده است ولی در این مورد مطبوعات آمریکا مطالبی را که در خصوص این اتهام بدست آوردند منتشر ساخته و در آن اظهار نظر میکردند که علیهذا می بینیم در آمریکا تضحیقاتی در انتشار اخبار و عقاید از هر نوع و در هر موقع برای مطبوعات وجود ندارد و میتوانند این اخبار و اطلاعات را قبل از انجام دادرسی و یا بعد از آن منتشر سازند ... در اینجا مطلبی

که بسیار قابل توجه و اهمیت است تصادم و اصطکاک است که بین دو اصل مهم قانون اساسی آمریکا ایجاد شده زیرا قانون اساسی مزبور از یکطرف آزادی کامل نطق و قلم را برای هرفردی تامین و تضمین نموده است بنحوی که کنگره از نظیر رعایت اصل کلی که قوانین اساسی قابل تغییر نیستند حق و اختیار وضع قانونی را که مخالف این اصل باشد ندارد و از طرف دیگر قوانین اساسی برای دادرسی متهمین تشریفات و جریان خاصی را که تنها بوسیله قوه قضائیه کشور اجرا میشود پیش بینی نموده و مقرر داشته است .

اگر مطلب صرفاً از نظر مطبوعات مورد بررسی قرار گیرد میتوان گفت که روزنامه عالی الاصول در انتشار خبر و انتقاد آزاد است و صرف نظر از نفع مالی که انتشار اخبار برای روزنامه ممکن است داشته باشد هر روزنامه که برای کسب اهمیت خود و جلب توجه مردم مجاهدت دارد میتواند خبری را تحصیل و منتشر سازد طرفداران این نظریه میگویند صرف نظر کردن از اطلاع و خبریکه ممکن است روزنامه بخوانندگان خود بدهد موجب مسئولیت شفلی است باضافه جویانی که در این قبیل دادرسیها در اطلاق دادگاه رخ دهد متعلق بعموم است و مردم از هر طبقه که باشند حق دارند از آن اطلاع یابند و بدانند که بچه نحو انجام شده و بدیهی است که مخبر روزنامه که یکی از افراد و اتباع مملکت است حق دارد گزارش کار و عقاید و نظریات خود را از آنچه در دادگاه می بیند و میشنود با اطلاع مردم برساند و بهمین دلیل اقدام و عمل او در انتشار اخبار بموجب قانون آزادی مطبوعات مصون و غیر قابل تعرض است .

مردمانی که آزادی مطبوعات و آزادی نطق و قلم را اساس و شالوده حکومتهای دموکراسی میدانند بحدی در این امر افراط مینمایند که گفته اند بر فرض که مداخله مطبوعات در امور دادرسی اجرای عدالت را دچار مخاطره کرده و متزلزل سازد خسارات آن در مقابل امتیازات و فوایدی که جامعه از آزادی بدست میآورد بسیار ناچیز و قابل اغماض است و چون نمیتوان آزادی واقعی جامعه را بدون داشتن مطبوعات آزاد تامین نمود بهر نحو که در آزادی مطبوعات مداخله شود آن مداخله هر قدر مختصر و محدود هم باشد

در تباهی آزادی جامعه تأثیر خواهد کرد

اگر بخواهیم تأمین را که اصول و قوانین اساسی برای مطبوعات قائل شده است در این مورد تجدید نمایند حداقل باید مقرر داریم که مندرجات روزنامه در مورد این مسائل قضائی از نظر صحت و یا عدم صحت قبل از انتشار بررسی و تجزیه شود که البته این امر خود يك نوع سانسور و تضییقی است که مخالف اصل آزادی است اگر چه این سانسور بوسیله قضات انجام پذیرد لزوم رعایت و حفظ آزادی مطبوعات همیشه مورد توجه و علاقه مقامات عالیه امریکا بوده و گفتار تاماس جفرسون نشان میدهد که در مدتی بیش از یک قرن ونیم رویه آن کشور تغییر ننموده است

تاماس جفرسون گفت من از مراحل فاسد و تنفر آوری که مطبوعات ما گذرانده اند خیلی متاسفم نوشته جاتی که باروح کینه جوئی و دنائت و دروغ گوئی و افترا انتشار یابند مانند کثافات و زباله هائی است که سلامتی و مزاج جامعه را سریعاً تباه و فاسد میکنند ولی این درد و مرض در جامعه ما غیر قابل علاج است زیرا آزادی کامل ما از هر جهت منوطاً آزادی مطبوعات است و هرگاه آزادی مطبوعات ما محدود شود بهر نحو و تا هر میزان که باشد آزادی جامعه را نابود خواهد نمود

مطالعه و توجه بموضوع ما اخلای مطبوعات در امور قضائی از نظر اجرای عدالت نقش کاملاً مجزی و متفاوتی را نشان میدهد و با کمی دقت در این امر دیده میشود اشخاصیکه مجاهدت دارند تا دستگاه قضائی رسوم عالیه و ترادسبون خود را حفظ نموده و با تأمین اصول مقدسی که حیات بخش آزادی جامعه است از اجرای کامل عدالت منحرف نشود نکات و دقائق مهمی را تذکر میدهند که رعایت آنها ناگزیر برای علاقمندان به حفظ دموکراسی الزامی است

تردیدی نیست که دستگاه قضائی در هر يك از سازمانهای دموکراسی جهان محوری است که آزادی جامعه در اطراف آن دور میزند و تأمین امنیت اجتماع و حفظ حقوق افراد از هر جهت مرهون این دستگاه مقدس است که جامعه شری در مدتی متجاوز از چند هزار سال در تکمیل آن کوشش کرده و هرگز نتوانسته وسیله بهتری برای حل اختلافات و حفظ

صیانت جامعه خود بدست آورد و حتی با وجود بسط و توسعه تمدن درمورد اختلافات بین‌المللی هم دستگاه دیگری جانشین این دستگاه نشده و بنابراین بدون هیچگونه تردید باید تا کید نمود که حفظ این دستگاه در مقابل هر تهدید و یا عامل فاسد کننده نهایت اهمیت و ضرورت را دارد

. در بسیاری از نقاط جهان دیده شده است که وسائل قضائی را برای تحصیل نتایجی که خارج از موضوع اصلی قضاوت و غیر مرتبط با منظور واقعی آنست بکار برده‌اند

در این کشورها دادگاه - قاضی - و کیل دعاوی (هیئت منصفه) وجود داشته‌اند ولی ایندستگاه عالی از عمل عادی خود منحرف شده گاهی در عملی که خارج از صلاحیت آن بوده دخالت نموده‌است

چون یکچنین جریان نامطلوبی را بخوانیم و یا بشنویم یقین دارم که در روح خود احساس یکنوع ناراحتی و طغیان خواهیم نمود و بهمین دلیل بر هر یک از ما فرض و لازم است که از هر گونه تجاوزی که بعمل قضاوت شود و موجب فساد و تباهی این ایدال حیات بخش گردد جدأ و با بذل جان و مال خود جلوگیری و دفاع نماییم .

عمل قضاوت وقتی میتواند مقرون بسا موفقیت باشد که افکار عمومی با نتایج آن هم آهنگی داشته و آن نتایج را با رضایت و قبول تلقی نمایند و هر موقع که توهم و تصور بی‌عدالتی و غرض ورزی در کار قضاوت بشود فانون و دستگاه قضائی قدرت عمل خود را از دست میدهد و در چنین موقع است که امنیت اجتماعی و رفیع اختلاف افراد فقط بوسیله اعمال زور و بسا قدرت استبداد تامین خواهد شد .

قضات ما همواره با همکاری صمیمانه و کلای دادگستری مجاهدات و مساعی شجاعانه‌ای ابزار میدارند و به تشریفات و شعایر بسیاری متوسل میشوند تا اعتماد عامه را به دستگاه قضائی جلب و تضمین نمایند و جامعه ما نیز در مساعی هر روزه خود تدابیر مختلفی را بکار می‌بندد تا به بی‌نظری و عدالت گستری این دستگاه اطمینان یابد - در کشورهایی که همراه دادگاههای عمومی هیئت منصفه (ژوری) تعیین میشود می‌بینیم که قضات به آنها متذکر

میشوند که باید نظریه و تصمیم خود را صرفاً بر اساس حقایق و مدارکی که بطور آشکارا در دادگاه ابراز و یا مذاکره شده قرار دهند و دادگاهها در هر مورد رعایت بی طرفی کامل را نموده بهر يك از اصحاب دعوی فرصت کافی برای صحبت و دفاع میدهند .

بطور کلی مطالب و اطلاعاتی که به دادگاه برسد و یا اعلام شود بوسیله قضات با نهایت دقت بررسی شده تجزیه و تفکیک میشود تا نتیجه رسیدگی از هر گونه آلودگی پاک و مبرا باشد - در محیط دادگاه همیشه حالت بیغرضی و عدم تعصب مذهبی و نژادی و خونسردی و متانت حکمفرماست و پس از قرائت تجربه و مطالعه هیئت قضائی جهان به این نتیجه واحد رسیده است که تصمیمات و نظریات دادگاه باید صرفاً در روی دلائلی موجوده در پرونده قرار گیرد ولی با کمی توجه و دقت می بینیم که این رویه صرفاً در تمام دادرسیها وجود دارد مگر در مورد دادرسیهای مشهور به محض اینکه اتهام و یا واقعه ای در خارج از دادگاه کسب شهرت نمود و مورد دخالت مطبوعات واقع گردید و کنش خاصی در اذهان و افکار عمومی ایجاد میشود که در نتیجه استقلال قضات بطور محسوسی متزلزل میگردد .

قضات و وکلای دادگستری در چنین موارد حس انحصار و استقلالی را که در موارد دیگر دارند از دست میدهند زیرا شریک دیگری در عمل برای خود احساس مینمایند و آن شریک مطبوعات است .

مطلبی که قابل ملاحظه است این است که مخبر روزنامه و یا نویسنده مقاله ای که در کار قضائی و جریان دادرسی بوسیله نشر خبر و اظهار نظر مداخله مینماید مسئولیتی در کار خود و در مقابل اشخاص ندارد - نویسنده سوگندی برای بیان حقیقت و با احتراز از انتشار خلاف یاد نکرده است و صرفاً چون صاحب و یا مدیر روزنامه موافقت کرده است که ستونی از روزنامه او را پر کنند و یا پروانه خبرنگاری بدست آورده به این کار مبادرت نموده و خود را به ذکر دلائلی خارج از مورد رسیدگی و بسا بحث در دلائل مورد رسیدگی مختار و آزاد دانسته است .

می بینیم که این قبیل نویسندگان معمولاً در بیان و افشاء مطالبی که که دادگاه و قضات از ابراز آنها جلوگیری کرده آند خود داری ندارند و قبل از آنکه دادرسی به نتیجه قطعی برسد نویسنده غیر مسئول اظهارات اشخاص را میل خود نماید و یا تردید میکند و به هیئت دادگاه راهنمایی میکند که کدام يك از اظهارات را قبول و یا رد نمایند بدین ترتیب تنها کسی که اجازه ندارد قبل از پایان کار اظهار نظر کند قاضی دادگاه است که سالها عمر خود را صرف تحصیل علم حقوق نموده و بقید سوگند ملتزم شده است که رعایت بی طرفی و بیغرضی را بنماید .

در سال ۱۹۱۸ دیوان عالی کشور آمریکا در استواری دادنامه ای که بضرر یکی از روزنامه های محلی بنام روز نامه - تالید و در اتهام تخلف از وظیفه روزنامه نگاری صادر شده بود ایجاد رویه خاصی کرد در این ایام در آمریکا کرایه و آگونیهای شهری مورد اعتراض بود و انجمن شهر دستوری داد که کرایه ارزانتری موقتاً اساس پرداخت باشد شرکت و آگون شهری برای احتراز از قبول و اجرای این دستور به دادگاه رجوع کرد روز نامه تالید و شرحی منتشر و اظهار داشت که هر گاه دادگاه برفع دستور انجمن شهر حکم کند در صحت عمل و همچنین در فهم و ذکاوت قاضی باید تردید کرد زیرا ممکن است مردم از موافقت با رأی دادگاه و اجرای آن خودداری کنند - دادگاه انتشار این مقاله را توهین به محکمه و مقاومت علنی بادرستگاه قضائی تعبیر کرد و سر دیر روزنامه را محکوم به مجازات نمود این رأی در دیوان عالی کشور استوار گردید و به محاکمه روزنامه تالید و معروف شد ولی این رویه قضائی در سال ۱۹۴۱ از طرف دیوان عالی کشور آمریکا مردود گردید و از آن تاریخ به بعد ناشرین روزنامه و سر دبیران و سخنگویان رادیو و نویسندگان محکومیتی پیدا نکردند .

نویسنده مقاله آمریکائی میگوید اگر هر يك از مادر جریمان يك دادرسی تقابلی از خود یادداشت نموده و آن را بدست هیئت دادگاه رسانیم ممکن است که وسیله دادگاه احضار و یا بوسیله نگهبان بدادگاه جلب شویم تا اظهارات ما مورد رسیدگی قرار گیرد و حال چه تفاوت دارد که همین مطلب بوسیله ماشین بزرگی

هزاران دفعه چاپ و نسخ آن بوسیله موزعی بدادگاه برسد دادگاههای آمریکا عمل بالا را مشمول قانون تغلف از مقررات و انتظامات دادگاه دانسته مجازات میکنند ولی چون این نوع تغلف را محدود بعملیاتی میدانند که فقط نزدیک اطاق دادگاه انجام شود و دیوان کشور آمریکا نزدیک را از نظر جغرافیائی در نظر گرفته است روزنامه را مشمول آن نمیدانند همانطور که قانون اساسی آمریکا به اعضاء کنگره آزادی نطق و مصونیت کامل داده است قوانین ما نیز به نمایندگان هر دو مجلس اختیار داده است که هر بیان و عقیده ای را که بخواهند بدون مسئولیت و ابراز دلیل اظهار کنند (در آمریکا اعضاء کنگره فقط مسئول ابراز دلیل برای اظهارات خود به انتخاب کنندگان حوزه انتخابیه خود میباشد)

بنا به اصل فوق و چون فرض قانون اینست که دفاع از حقوق و منافع جامعه و نظارت در وضع قوانین نیازمند به آزادی تمام نمایندگان است این مصونیت بلا قید را برای آنها پیش بینی نموده و فرضاً که اظهارات نماینده ای در مجلس متضمن ضرری برای فردی باشد حفظ اصل مصونیت از نظر حسن وضع قوانین و صیانت حقوق کشور ضروری و اولی است ولی بهر تقدیر چنین موردی به نفع آزادی مطبوعات باشد آزادی و مصونیت نمایندگان مجلس وجود ندارد و نمیتوان توفقی برای آزادی مطبوعات نسبت به آزادی قضات تصور کرد.

بنا به عقیده دانشمندانی که در این مطلب مطالعه و بحث کرده اند و با توجه باینکه آزادی مطبوعات و استقلال دستگاه قضائی ملازم یک دیگر اند معتقد اند که مطبوعات باید استقلال دستگاه قضائی را رعایت نموده و از دستگاهی که آزادی آنها و آزادی جامعه را دوا طلبانه تامین میکند پشتیبانی کند و دستگاه قضائی باید مطبوعات آزادی را در کشور نگاهدارند که پشتیبان دستگاه بی طرف و غیر تحمیلی آنهاست و بدیهی است غفلت هر یک از این دو شریک موجب اصطکاک و جدالی خواهد شد که به اساس آزادی و دموکراسی زیان آور میباشد روشن فکری و توجه باین نظریه موجب رفع اختلاف و لاف باءت تخفیف این اختلاف خواهد شد.

در پایان نظریه ای را که نویسنده مقاله آمریکایی متذکر شده است از نظر خوانندگان میگذرانم .

نویسنده مزبور معتقد است که انجمن و یا هیئتی از وکلای مجرب و معروف دادگستری بوسیله کانون وکلا تشکیل شده و در مورد این قبیل دادرسیها مقالات رورنامه را قبل از انتشار ببا همکاری صمیمانه نویسندگان آن مورد بررسی قرار داده و در صورتیکه ببینند انتشار خیر و یا مقاله ای بر خلاف اصول قضاوت است از آن جلوگیری نمایند .

اخبار کانون وکلای

۱ - چون مشاهده شد اعلانات قضایی از اجرای وزارت دادگستری برای توزیع بین جرائد بدفتر نخست وزیری ارسال میگردد و کانون وکلاء اشکالاتی را در جریان امر پیش بینی نمود نظریه خود را ضمن نامه شماره ۱۹۷۸ - (۲۹/۵/۲۱) دائر بر لزوم ترك رويه جدید و تعقيب رويه سابق اطلاع جناب آقای وزیر دادگستری رسانید . جوابی که بکانون وکلا داده شد ذیلا از نظر خوانندگان میگذرد :

« وزارت دادگستری اداره دفتر کل وزارتی - بتاريخ ۲۹/۶/۱۸ - شماره ۲۴۶۷۷ - آقای نائب رئیس کانون وکلاء دادگستری . گزارش شماره ۱۹۷۸ - ۲۹/۵/۲۱ ملاحظه شد چون طبق بخشنامه ای که اخیراً صادر شده مقرر گردیده است آگهی ها مجدداً از طرف وزارت دادگستری بین جرائد توزیع شود - لذا اشکالات مذکور در نامه مزبور مرتفع است . وزیر دادگستری امضاء محمدعلی بوذری »